گفتارها و یادداشت‌هایی از اساتید حقوق راجع به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه توقیف اوراق بهادار بانک مرکزی ایران

غلبه سیاست بر حقوق در لاهه

گروه حقوق «جوان» کیفیت و آثار احراز صلاحیت ICG را در پرونده ایران علیه امریکا مورد بررسی قرار داده است

■ نیره ساری

دولت جمهوری اسلامی ایران در ۲۵ خرداد ۱۳۹۵ در پی توقیف و ضبط و مصادره حدود ۲ میلیارد دلار از اموال بانک مرکزی و اموال سایر شرکت‌ها و مؤسسات ایرانی به موجب احکام واهی صادره از دادگاه‌های امریکا که با موازین حقوق بین‌الملل به ویژه معاهده بین دو کشور موسوم به عهدنامه مودت و روابط اقتصادی و کنسولی سال ۱۹۵۵ مغایر است، از اقدامات دولت امریکا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه شکایت کرد.

ایران در دادخواست خود به اقدامات تقنینی، قضایی و اجرایی ایالات متحده اشاره کرده که اعمال آنها منجر به صدور احکام متعددی از محاکم امریکا در دعاوی به اصطلاح ضدتروریستی علیه دولت ایران و مؤسسات ایرانی شده و به موجب آنها اموال و دارایی‌های بانک مرکزی و برخی دیگر از شرکت‌های ایرانی به بهانه‌های واهی ضبط شده است.

پس از ثبت دادخواست، ایران لایحه تکمیلی و مستندات خود را در چهار جلد و در تبیین مبانی حقوقی و موضوعی شکایت مطروحه، در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۳۹۵ به دیوان بین‌المللی دادگستری تقدیم کرد. در مقابل اما ایالات متحده به جای پاسخگویی به شکایت ایران در ماهیت دعوی، در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ با طرح ایراد مقدماتی، دعوی ایران را غیر قابل استماع تلقی کرده و نسبت به صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری نیز اعتراض کرد. دولت ایالات متحده ادعا کرده بود هدف عهدنامه، حمایت از فعالیت‌های تجاری اتباع و شرکت‌های دو طرف بوده و بانک مرکزی با توجه به وظایف و ماهیت حاکمیتی آن، نمی‌تواند از حمایت‌های مقرر در عهدنامه بهره‌مند شود. ایالات متحده از دیوان خواسته بود دعوی ایران را مردود اعلام کند. به دنبال این بود که نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران به این ایرادات ایالات متحده درباره غیر قابل استماع بودن دعوی ایران و نیز ایراد عدم صلاحیت دیوان، به تفصیل و به‌طور مستدل پاسخ داد و لایحه جوابیه ایران در تاریخ ۱۰ شهریور ۱۳۹۶ نزد دیوان ثبت شد. لایحه‌ای که ضمن رد ادعاها و اتهامات بی‌اساس ایالات متحده به ایران، بر اعتبار عهدنامه ۱۹۵۵ که قبلاً بارها مورد تأیید دیوان بین‌المللی دادگستری نیز قرار گرفته و در سایر پرونده‌ها توسط دولت و اتباع ایالات متحده به آن استناد شده بود، تأکید شد. دیوان بین‌المللی دادگستری روزهای ۱۶ الی ۲۰ مهر ۱۳۹۷ را به برگزاری جلسات استماع مدافعات شفاهی طرفین درباره ایرادات مقدماتی و صلاحیتی امریکا اختصاص داد. در تاریخ ۲۴ بهمن ۱۳۹۷ در جلسه‌ای با حضور نمایندگان دو طرف در دیوان و بعضی از وکلا و مقامات دولتین، تصمیم خود در خصوص اعتراض ایالات متحده به صلاحیت دیوان برای رسیدگی به پرونده را اعلام کرد. به موجب این رأی، ایرادات مقدماتی و صلاحیتی امریکا رد شد و دعوی ایران مسموع دانسته شد و پرونده وارد مرحله رسیدگی ماهوی شد.

نظر به این احراز صلاحیت، گروه حقوقی روزنامه «جوان» ضمن مصاحبه و نیز دریافت نظرات اساتید حقوقی، تحلیل حقوقی این احراز صلاحیت و آورده‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار داده است که در ادامه می‌خوانید.

رأی نهایی ۲۰۲۰ صادر می‌شود

بر اساس اصلاحیه سال ۱۹۹۶ قانون مصونیت دولت‌های خارجی (مصوب ۱۹۷۶)، اشخاص امریکایی آسیب‌دیده از حملات تروریستی در هر جای دنیا یا بازماندگان آنها می‌توانند در محاکم امریکا علیه دولت‌هایی که حامی عملیات تروریستی هستند شکایت کنند. جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۹۸۴ در فهرست دولت‌های حامی تروریسم ایالات متحده امریکا قرار گرفته است. از این رو از سال ۱۹۹۶ به این سو دعاوی متعددی توسط اشخاصی که در کشورهای مختلف، از عملیات نیروهای جهادی نظیر حماس و حزب‌الله آسیب دیده بودند یا بازماندگان آنها علیه جمهوری اسلامی ایران، مطرح شد.

ستار عزیزی
مدیر گروه حقوق دانشگاه مرمانی

دولت ایران به درستی معتقد بود که بر اساس اصل برابری حاکمیت‌ها و مصونیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، محاکم داخلی یک دولت نباید مجاز باشند به دعاوی مطروحه علیه دولت‌های خارجی رسیدگی کنند. یکی از مهم‌ترین پرونده‌ها در این ارتباط، «پرونده پرتسون» بود.

این پرونده مربوط به انفجاری بود که در سال ۱۹۸۳ در لبنان اتفاق افتاد و طی آن مقر تفنگداران دریایی امریکا در این کشور مورد حمله قرار گرفت و ۲۴۱ نفر از تفنگداران امریکایی کشته شدند. بازماندگان، در سال ۲۰۰۳ موفق به تحصیل رأی از دادگاهی در امریکا شدند که جمهوری اسلامی ایران به پرداخت حدود ۲ میلیارد دلار امریکا به خواهان‌ها محکوم شد. خواهان‌های امریکایی به دنبال اجرای رأی برآمده و توانستند ۲ میلیون دلار ارزش بهادار خریداری شده توسط بانک مرکزی که در سیبنی بانک امریکا نگهداری می‌شد را توقیف کنند. پس از نامه‌نگاری بانک مرکزی از محاکم داخلی امریکا و تأیید رأی محکمه داخلی امریکا در دیوان عالی آن کشور، ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری طرح دعوی کرد.

شکایت ایران در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶ در دفتر دیوان به ثبت رسید، جمهوری اسلامی ایران خوانده، با نقض تعهدات قراردادی خود بر اساس معاهده مودت است. لازم به ذکر است مبنای حاکمیتی شکایت ایران، معاهده «مودت، روابط اقتصادی و کنسولی» مورخ ۱۵ آگوست ۱۹۵۵ می‌باشد.

در این دادخواست آمده است: «ایالات متحده با این عمل موضع که ایران تروریسم است (موضعی که ایران آن را فوبیا می‌کند) شعاری اقدامات اجرایی و قانون‌گذاری اتخاذ کرده است که اثر عملی آنها تأثیر بر منافع و دارایی‌های بانک مرکزی و مؤسسات ایرانی از جمله بانک مرکزی ایران برخلاف معاهده مودت و از طریق اجرای رسیدگی‌های قضایی امریکا است.»

امریکا با اعتراض به صلاحیت دیوان، مدعی شد که اقدامات امریکا در توقیف دولت ایران پس از توقیف برخی دارایی‌های خود به ارزش تقریبی ۱/۷۵ میلیارد دلار توسط ایالات متحده، علیه این کشور در دیوان بین‌المللی دادگستری طرح دعوا کرد. دولت امریکا با نقض آشکار اصل مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آنها، در دو بُعد صلاحیتی و اجرایی، به توقیف و تخصیص اموال دولت ایران به زعم خود در راستای جبران خسارت از زیان‌دیدگان قضیه بمب‌گذاری ۱۹۸۳ بیروت اقدام کرده است. به رغم تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص مصونیت‌های قضایی دولت‌ها و اموال آنها (۲۰۰۴) از سوی ایران، این کنوانسیون تاکنون لازم‌الاجرا نشده و البته از سوی ایالات متحده مورد پذیرش قرار نگرفته است و لذا ماده ۲۷ آن نمی‌تواند کنسیونی تاکنون به عنوان مبنایی برای طرح دعوا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گیرد. از این رو، ایران ناگزیر رأی مسیری ناهموار بود و با تمسک به ماده ۲۱ عهدنامه مورخ ۱۹۵۵ - که پیش‌تر در دو دعوا از سوی هر دو دولت مبنای طرح دعوا در دیوان قرار گرفته بود - خواستار رسیدگی شده است. ایران استدلال کرده است که امریکا با عدم شناسایی استقلال شخصیت حقوقی بانک مرکزی ایران به مثابه یک «شرکت» و مالاً عدم حمایت از این اموال مطابق حقوق بین‌الملل، عهدنامه مزبور را نقض کرده است. چه اینکه مطابق بند ۲ ماده ۴ این عهدنامه، «اموال اتباع و شرکت‌های هر یک از طرفین معظم متعاهد از جمله منافع اموال از حد اعلای حمایت و امنیت دائم به نحوی که در هیچ مورد کمتر از مقررات حقوق بین‌الملل نباشد در داخل قلمرو طرف متعاهد معظم دیگر برخوردار خواهد بود».

بدین ترتیب، اگرچه استدلال ایران به مسئله مصونیت قضایی دولت‌ها به توجه به مبنای صلاحیتی مورد استناد - یعنی، عهدنامه مودت - مستقیماً و مستقلاً قابل طرح به نظر نمی‌رسد اما با توجه به نکات فوق، این امر به عنوان یکی از مصادیق «مقررات حقوق بین‌الملل» که در بند ۲ ماده ۴ عهدنامه به مثابه اصلی راهنما و در زمره قواعد رفتاری دولت‌های متعاهد قرار گرفته است، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. با این حال، دیوان با پذیرش اعتراض صلاحیتی دوم ایالات متحده اعلام داشته است که ادعای نقض مصونیت‌های حاکمیتی خارج از شمول عهدنامه بوده و در نتیجه دیوان صلاحیت رسیدگی به آن را ندارد.

دیوان با توجه به موضوع و هدف عهدنامه قائل شده است که مفهوم «مقررات حقوق بین‌الملل» مندرج در بند ۲ ماده ۴ عهدنامه انصراف به امور تجاری - و نه حاکمیتی - داشته و در نتیجه، ذیل بند ۴ ماده ۱۱ عهدنامه نیز نمی‌تواند مفهوم مخالف داشته باشد و دلالت بر پذیرش مصونیت در امور حاکمیتی داشته باشد (اگرچه این موضوع بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی در جای خود مسلم و مفروض است).

بند ۴ ماده ۱۱ عهدنامه مقرر داشته است: «هیچ یک از مؤسسات طرفین معظمین متعاهدین از جمله شرکت‌ها و هیئت‌ها و نمایندگی‌ها و بنگاه‌ها و عوامل خود به کلیه به دولت یا تحت نظر دولت باشد در صورتی که در قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر به کار بازرگانی یا تشکیلاتی یا سایر فعالیت‌های تجاری اشتغال یابد حق نخواهد داشت در موارد ذیل چه برای خود چه برای اموال خود ادعای مصونیت کند یا از مصونیت بهره‌مند شود: مشمول: از مالیات در قلمرو موزیور یا تعقیب یا اجرای احکام قضایی یا سایر تعهدات و مسئولیت‌های مؤسسات خصوصی آن کشور که متعلق به اشخاص یا تحت نظارت اشخاص باشد.»

مفهوم مخالف مفرّه مذکور مؤیدی بر این یافته است که قلمرو عهدنامه مودت تنها شامل شرکت‌ها یا فعالیت‌های تجاری نیست و تنها بیانگر این فرض است که در صورتی که شرکت‌ها و مؤسسات دولتی وارد فعالیت‌های تجاری شدند، نمی‌توانند از مصونیت‌های قضایی حاکمیتی بهره‌مند شوند.

> **فهوم مخالف بند ۴ ماده ۱۱ عهدنامه مودت مؤیدی بر این یافته است که قلمرو عهدنامه مودت تنها شامل شرکت‌ها یا فعالیت‌های تجاری نیست و تنها بیانگر این فرض است که در صورتی که شرکت‌ها و مؤسسات دولتی وارد فعالیت‌های تجاری شدند، نمی‌توانند از مصونیت‌های قضایی حاکمیتی بهره‌مند شوند**

عهدنامه مودت تنها شامل فعالیت‌های تجاری نیست

«عرصه سخن بس تنگ است. عرصه معنی فراخ است. از سخن پیش‌تر آ، تا فراخی بینی و عرصه بینی.» (شمس تبریزی)

دولت ایران پس از توقیف برخی دارایی‌های خود به ارزش تقریبی ۱/۷۵ میلیارد دلار توسط ایالات متحده، علیه این کشور در دیوان بین‌المللی دادگستری طرح دعوا کرد. دولت امریکا با نقض آشکار اصل مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آنها، در دو بُعد صلاحیتی و اجرایی، به توقیف و تخصیص اموال دولت ایران به زعم خود در راستای جبران خسارت از زیان‌دیدگان قضیه بمب‌گذاری ۱۹۸۳ بیروت اقدام کرده است. به رغم تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص مصونیت‌های قضایی دولت‌ها و اموال آنها (۲۰۰۴) از سوی ایران، این کنوانسیون تاکنون لازم‌الاجرا نشده و البته از سوی ایالات متحده مورد پذیرش قرار نگرفته است و لذا ماده ۲۷ آن نمی‌تواند کنسیونی تاکنون به عنوان مبنایی برای طرح دعوا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گیرد. از این رو، ایران ناگزیر رأی مسیری ناهموار بود و با تمسک به ماده ۲۱ عهدنامه مورخ ۱۹۵۵ - که پیش‌تر در دو دعوا از سوی هر دو دولت مبنای طرح دعوا در دیوان قرار گرفته بود - خواستار رسیدگی شده است. ایران استدلال کرده است که امریکا با عدم شناسایی استقلال شخصیت حقوقی بانک مرکزی ایران به مثابه یک «شرکت» و مالاً عدم حمایت از این اموال مطابق حقوق بین‌الملل، عهدنامه مزبور را نقض کرده است. چه اینکه مطابق بند ۲ ماده ۴ این عهدنامه، «اموال اتباع و شرکت‌های هر یک از طرفین معظم متعاهد از جمله منافع اموال از حد اعلای حمایت و امنیت دائم به نحوی که در هیچ مورد کمتر از مقررات حقوق بین‌الملل نباشد در داخل قلمرو طرف متعاهد معظم دیگر برخوردار خواهد بود».

حسین خلف رضایی
هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع)

بدین ترتیب، اگرچه استدلال ایران به مسئله مصونیت قضایی دولت‌ها به توجه به مبنای صلاحیتی مورد استناد - یعنی، عهدنامه مودت - مستقیماً و مستقلاً قابل طرح به نظر نمی‌رسد در ماهیت رسیدگی، موضوع توقیف اموال بانک مرکزی را دیوان بر اساس ضرورت رعایت رفتار منصفانه و غیر تبعیض‌آمیز که کمتر از حداقل معیارهای پذیرفته شده در نظام حقوق بین‌الملل نباشد بررسی خواهد کرد. پیش‌بینی می‌شود رأی ماهیتی دیوان در سال ۲۰۲۰ صادر شود

> **نفس پذیرش صلاحیت دیوان را می‌توان پیروزی حقوقی برای جمهوری اسلامی ایران دانست. در واقع به نظر می‌رسد در ماهیت رسیدگی، موضوع توقیف اموال بانک مرکزی را دیوان بر اساس ضرورت رعایت رفتار منصفانه و غیر تبعیض‌آمیز که کمتر از حداقل معیارهای پذیرفته شده در نظام حقوق بین‌الملل نباشد بررسی می‌شود رأی ماهیتی دیوان در سال ۲۰۲۰ صادر شود**

عقب‌نشینی امریکا مقابل ایران برای سایر کشورها هم نکات مثبت دارد

سیدباقر میرعباسی
مدیر گروه حقوق دانشگاه تهران

سیدباقر میرعباسی در گفت‌وگو با روزنامه «جوان» به تشریح معنای دقیق احراز صلاحیت دیوان پرداخته و در تحلیل حقوقی آن می‌گوید: به موجب فصل ۱۴ منشور، اساسنامه دیوان جزء لاینفک منشور ملل متحد است و علی‌الاصول در مورد دیوان، اصل بر عدم صلاحیت است یعنی خود به خود دیوان مثل دادگاه‌های داخلی نیست که رأساً به اختلاف شهروندان رسیدگی کند. در این رابطه با دیوان اعضای ملل متحد علاوه بر عضویت در منشور باید اعلام رضایت کنند و صلاحیت دیوان را به صورت پسینی و دفاع از عدالت بین‌المللی می‌دانند. از موضع قیمانی در آمده و سعی بر عقب‌نشینی دارند. انجایی که بحث حق و عدالت پیش آید، خودرا این اسناد خارج می‌کنند اولین نکته مثبت پرونده ما است که برای دل و حال توسعه در آمور است.

این صلاحیت به معنی رأی ماهوی نیست و به نظر می‌رسد در بحث ماهیتی نیز که مقامات امریکایی خودسرانه در مسائل بین‌الملل عمل می‌کنند در ماهیت هم حق ما احراز شود. به هر حال رسیدگی صلاحیتی به معنی صلاحیت در ماهیت نیست و ممکن است به نفع خواهان نباشد. این استاد حقوق بین‌الملل به مکانیزم اجرای رأی نیز اشاره دارد و معتقد است ضمانت اجرای رأی دیوان متأسفانه یکی از ضعف‌های حقوق بین‌الملل است.

وی در این باره توضیح می‌دهد: مطابق بند ۲ و ماده ۹۴ منشور ضمانت اجرا در صلاحیت شورای امنیت پیش‌بینی شده است و به موجب آن کشورهای عضو منشور و اساسنامه رأی دیوان را باید اجرا کنند. همچنین در صورت تخطی از آن به شورا مراجعه می‌کنند که در این راستا شورا توصیه‌های لازم‌الرعایه را می‌دهد و نهایت تصمیم به اقدامات از سوی شورای امنیت خواهد بود. می‌توان گفت برای تصمیم به اقدامات می‌تواند متوسل به چماق شود و خواسته محکومه علیه را وادار به اجرا کند اما وقتی به قدرت‌های بزرگ می‌رسد، امکان تخطی وجود دارد. مثل همان پرونده نیکاراگوئه که امریکا و تو کرد و رأی را اجرا نکرد اما در نهایت نوعی سازش صورت گرفت. این مشکلی است که وجود دارد اما نمی‌توان گفت شاید در نظام بین‌الملل علیه عالی‌ترین قدرت ما نمی‌توان رأی را اجرا کرد.

تیم حقوقی به سؤالات احتمالی در لاهه پاسخ خواهد داد

محمدعلی مهدوی ثابت
مدیر گروه حقوق علوم و تحقیقات

محمدعلی مهدوی ثابت از اساتید دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «جوان» درباره احراز صلاحیت دیوان در پرونده میان ایران و امریکا با استناد به معاهده مودت، این مهم را پیروزی برای تیم حقوقی ایران دانسته و می‌گوید پذیرش صلاحیت بررسی پرونده ایران امری مثبت است. به هر حال وقتی ایران دعوایی را باسنادند به یک عهدنامه صلاحیت مطرح کرده و ماهها منتظر اعلام نتیجه درباره صلاحیت بوده، خوشحال خواهد شد که این صلاحیت مورد تأیید یک نهاد بین‌المللی قرار گرفته است.

همین پذیرش صلاحیت را یک موفقیت برای ایران می‌داند و در این راستا می‌گوید: پیروزی ایران در احراز صلاحیت به نفع خود یعنی استدلال‌های تیم حقوقی توانسته دادگاه را متقاعد کند و ادعاهای طرف مقابل مبنی بر خروج از این عهدنامه و یا عدم احراز صلاحیت دیوان برای استناد به آن کاملاً مردود تلقی شده است و یک معتقد است تیم حقوقی ایران جزء سکوت قاطعه دیگری نباید انجام دهد، چرا اینکه تا حدی آمادگی خواندنه شدن از سوی دادگاه را برای پاسخ به برخی سؤالات داشته باشد. اتفاقی که در هر دادگاهی ممکن رخ دهد و برای طرفین دعوا نیز تفاوتی ندارد، کمااینکه امریکا هم از این مهم مستثنا نخواهد بود و ممکن است این سؤالات پیش روی امریکا هم باشد.

مهدوی ثابت ارائه مستندات جدید در این مرحله را امری مثبت می‌گوید. در حال حاضر هیچ دلیل و مستند بیشتری نمی‌توان ارائه کرد و تیم حقوقی جزء انتظار اقدام دیگری نمی‌تواند انجام دهد تکیه دیگری که مهدوی ثابت به آن گذری دارد درباره ماز گرداندن اموال ایران در مرحله پایانی است، نتیجه احتمالی این احراز صلاحیت است. این استاد دانشگاه اعتقاد دارد تا همین مرحله پیروزی و برد با ایران بوده است. چه‌بسا که آرای این دیوان بسیاری است و حتی امریکا می‌تواند به دلیل عضویت در شورای امنیت بعدها از پیوستن آن تخطی کند. مهدوی ثابت در نهایت می‌گوید: یکی از نتایج سمبلیک بودن این دادگاه همین پیروزی ایران در احراز صلاحیت است.

رأی نهایی ۲۰۲۰ صادر می‌شود

امیرساعد وکیل
عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

جمهوری اسلامی ایران در پی صدور حکم دیوان عالی امریکا به پرداخت وجوه متعلق به بانک مرکزی ایران بابت جبران خسارات وارده به خواهان‌های «پرونده پترسون» که مدعی بودند حمله تروریستی سال ۱۹۸۳ در لبنان از سوی ایران صورت گرفته، در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶ اقدام به ثبت دادخواست خود علیه ایالات متحده مبنی بر نقض عهدنامه مودت بین دو کشور کرد.

ایران در لایحه خود به قوانین داخلی امریکا اشاره می‌کند که هم دامنه مصونیت قضایی و اجرایی کشور و هم بانک مرکزی ایران مدام تنزل داده شده و هم تصریح می‌کند که اصلاحات قوانین داخلی امریکا زمینه‌ساز محرومیت دولت، سازمان‌ها و شرکت‌های ایرانی از دفاع مؤثر از حقوق خود شده و به‌دنبال آن، اموال نهادهای مستقل ایرانی که در زمره اصحاب دعوا نبوده‌اند موضوع اجرای احکام صادره از دادگاه‌های امریکا شده است.

در لایحه دفاعی ایران بر اساس بند اول ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری که دولت‌ها می‌توانند با رضایت متقابل، حل و فصل اختلافات مربوط به حقوق بین‌الملل را به این دادگاه جهانی تسلیم کنند و با اشاره به بند دوم ماده ۲۱ عهدنامه مودت که طرفین به صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری برای حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر و اجرای این عهدنامه اعلام رضایت کرده‌اند، دیوان را صالح به رسیدگی می‌داند و اضافه می‌کند مبنای توسل ایران به مواد عهدنامه مودت برای دادخواهی، رویه تثبیت شده دیوان بین‌المللی دادگستری است که در سال ۱۹۹۶ در قضیه سکوهای نفتی علاوه بر اینکه عهدنامه مودت بین دو کشور را به لحاظ حقوقی معتبر شناخت، هدف این عهدنامه را در بند ۲۷ رأی صلاحیتی، تشویق سرمایه‌گذاری و تجارت سودمند بین ایران و امریکا و در کل ایجاد روابط اقتصادی نزدیک‌تر و همچنین قاعده‌مند کردن روابط دیپلماتیک طرفین دانست.

در ادامه لایحه جمهوری اسلامی ایران، ماهیت مصونیت حاکمیت‌ها به عنوان یک مانع شکلی برای طرف دعوا قرار گرفتن در دادگاه‌های داخلی دولت خارجی مورد ملاحظه واقع شد و تصریح گردید که اقدام امریکا در وضع این قوانین داخلی با هدف کنار زدن حائل مصونیت دولت‌ها تحت عناوینی همچون مبارزه با تروریسم، هم در حقوق بین‌الملل دارای جایگاه عرفی نیست و هم مغایر تعهدات بین‌المللی امریکا به موجب عهدنامه مودت، مقررات مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و حقوق بین‌الملل عام است.

محور دیگر لایحه جمهوری اسلامی ایران، برشمردن موارد نقض عهدنامه مودت، یک بخش نسبت به اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی از جمله شرکت‌های ایرانی و بخش دیگر در ارتباط با خود دولت ایران می‌باشد.

در بخش نخست، ایران مدعی نقض بند سوم ماده ۲، بند اول ماده ۴، بند دوم ماده ۴ و بند اول ماده ۵ عهدنامه مودت شده است. در این راستا ایالات متحده مکلف بوده دسترسی آزاد شرکت‌ها و اتباع ایرانی را به محاکم و مؤسسات دادگری محدود نکند که ممانعت از استناد به مصونیت قضایی و اجرایی، نادیده گرفتن شخصیت حقوقی مستقل این شرکت‌ها و بانک مرکزی از دولت و اعمال قوانین تبعیض‌آمیز علیه ایران و عطف بماسبق نمودن این قوانین، مغایر تعهدات امریکا در برابر ایران بوده است. همچنین ایالات متحده موظف بوده رفتار عادلانه و منصفانه نسبت به ایران اتخاذ کند و از اقدامات غیرمنصفانه و تبعیض‌آمیز احتراز کند. نقض مصونیت ایران در دادگاه‌های داخلی امریکا، وضع قوانین تبعیض‌آمیز علیه دولت و شرکت‌های ایرانی، به رسمیت نشناختن شخصیت حقوقی مستقل و مصونیت اموال بانک مرکزی و گنجاندن شرکت‌های ایرانی در فهرست اشخاص مشمول قوانین محدودکننده که وضعیت‌های غیرمنطقی‌تر را در تجارت برای آنها به بار می‌آورد از جمله مصادیق نقض تعهدات ایالات متحده امریکا است. مطابق که ایالات متحده تعهد به محافظت از اموال طرف ایرانی و برقراری امنیت کامل نسبت به این اموال مطابق موازین حقوق بین‌الملل در سرزمین خود داشته و جز در راستای اهداف ملی و با پرداخت غرامت مناسب، مصادره اموال ایران مجاز نبوده است در حالی که با نقض مصونیت اموال بانک مرکزی، عدم شناسایی استقلال شرکت‌های ایرانی از دولت و نقض اصول جهانی دادرسی منصفانه از قبیل اعتبار امر مختومه، مرور زمان و عطف بماسبق شدن قوانین، این تعهدات از سوی امریکا برپا گانشته شده است.

در بخش دیگر، بند اول ماده ۲ و بند اول ماده ۱۰ عهدنامه مودت مورد استناد ایران قرار گرفته که ایجاد هرگونه محدودیت در پرداخت، حواله یا انتقال وجه بین دو کشور منع شده و حق آزادی تجارت بین دو دولت به‌رسمیت شناخته شده است. عیان است که تحریم‌های امریکا از جمله صدور دستور اجرایی ۱۳۵۹۹ ناقض صریح این دو تعهد حقوقی است که امریکا در برابر ایران به گردن داشته است.

در پایان جمهوری اسلامی ایران در لایحه خود از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست می‌کند ضمن شناسایی مسئولیت بین‌المللی امریکا بابت نقض‌های مواد عهدنامه مودت و صدور حکم به توقف اقدامات خلاف این کشور، مصونیت ایران و شرکت‌های ایرانی را هم رسمیت شناخته و خسارات وارد شده به ایران را بطور کامل جبران کند.

ایالات متحده در پاسخ به دادخواست ایران با هدف بیان ایرادات مقدماتی که مانع شناسایی صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری برای رسیدگی به اختلاف بدانند چند استدلال کلی را در لایحه خود مطرح کرد. اول اینکه با توجه به اتفاقاتی که در روابط میز دو کشور روی داده و منجر به قطع روابط دیپلماتیک طرفین شده، عهدنامه مودت فاقد اعتبار است. دوم اینکه ایالات متحده در چارچوب مبارزه جهانی علیه تروریسم اقدام به اقامه دعاوی مسئولیت مدنی علیه ایران و سازمان‌ها و شرکت‌های ایرانی در دادگاه‌های داخلی خود کرده است و از این بابت در پرتو اصل پاکدستی در حقوق بین‌الملل به ایالات متحده، همواره اسبی تکنه را متذکر شده‌اند که نمی‌توان نتیجه دعوی حقوقی را از ابتدا با قاطعیت پیش‌بینی کرد. اما با بهره‌برداری از کلیه امکانات و استفاده از متخصصین خبره داخلی و خارجی می‌توان تا حدودی روند رسیدگی و نتایج احتمالی را در مفروضات مختلف حدس زد. پیش‌بینی‌های دست‌کار این بود که احتمال زیاد از مرحله احکام صادر شده خواهیم کرد و در برخی زمینه‌ها از دلایل و توجیهات محکمه پسندتری برخوردارم. چون صلاحیت که این مرحله را سپری کرده و امیدوار هستیم با همسان کار و تلاش شایانه روزی که همه اعضای تیم حقوقی داخلی و خارجی به این دعوی اختصاص داده‌اند در مرحله ماهیت هم دولت ایران بتواند نتایج مثبتی را به دست آورد.

کامیابی‌های ایران در دادگاه لاهه مجاهدت در راه تثبیت گفتمان عدالت به‌جای عداوت

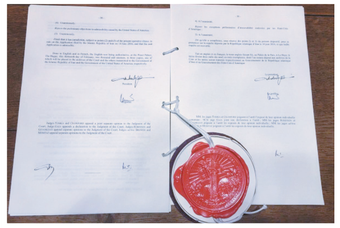

نفوذ امریکا مانع جدی اجرای رأی دیوان است

محمدجعفر قنبری جهرمی سرپرست مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری و دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی به سؤالات «جوان» درباره پرونده مطروحه ایران علیه امریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری پاسخ داد:

احراز صلاحیت اولیه دیوان در دعوای ایران، دقیقاً به چه معناست؟ تحلیل حقوقی این احراز صلاحیت چه نکاتی را مبرز می‌کند؟

با توجه به برابری دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، دیوان بین‌المللی دادگستری اصولاً زمانی می‌تواند به یک دعوی رسیدگی کند که رضایت دولت‌های طرف اختلاف به رسیدگی توسط دیوان را احراز کند. بنابراین علی‌الاصول رسیدگی در دیوان دو مرحله‌ای است. دیوان ابتدا باید احراز کند که از جهت شخصی، موضوعی و زمانی حائز صلاحیت (jurisdiction) به رسیدگی است. چنانچه دیوان صلاحیت خود را احراز کند، در مرحله دوم وارد رسیدگی به ماهیت اختلاف می‌شود. دولت خوانده معمولاً تلاش می‌کند در همان ابتدا با طرح ایرادات مقدماتی (صلاحیت و قابلیت پذیرش دادخواست) مانع رسیدگی دیوان و خاتمه دعوی در مرحله اول شود. در دعوی ایران علیه امریکا (قضیه «برخی از اموال ایران»)، دولت امریکا سه ایراد صلاحیتی ذیل را مطرح کرد.

اول اینکه طبق مفاد ماده (ج) (۱ و ۲) و (د) (۱ و ۲) ۲۰ عهدنامه مودت، اقدامات دولت امریکا در مسدود کردن اموال دولت ایران و شرکت‌ها و مؤسسات ایرانی از شمول معاهده مودت خارج می‌باشد؛ که این ایراد مورد پذیرش دیوان قرار نگرفت. البته دیوان بر اساس رویه خود خصوصاً قضایای نیکاراگوا، سکوهای نفتی و همچنین نفتی عهدنامه مودت ۱۹۵۵ (خروج امریکا از برجام و اعمال مجدد تحریم‌های هسته‌ای) تصریح داشت که این ایراد قابل طرح در مراحله ماهوی می‌باشد.

دوم اینکه موضوع مصونیت دولت و دستگاه‌های دولتی در شمول معاهده مودت قرار نمی‌گیرد؛ دیوان این ایراد دولت امریکا را وارد ندانست و به لزوم بررسی جایگاه بنک مرکزی به عنوان شرکتی که در شمول معاهده مودت است در مرحله رسیدگی به ماهیت دعوی تأکید کرد.

به علاوه دولت امریکا در ایراد «سوءاستفاده از فرآیند رسیدگی» (abuse of process) و «بازگشتی» (clean hands) به عنوان ایرادات مربوط به قابلیت پذیرش دادخواست (admissibility) مطرح کرد. دیوان ایراد اول را به طور کامل رد کرد ولی در مورد ایراد دوم، دیوان بدون اتخاذ هرگونه موضع درخصوص تئوری «پاکدستی» اعلام کرد ادعاهای امریکا در مورد پشتیبانی و حمایت ادعایی ایران از تروریسم بین‌المللی و موارد گسترش سلاح‌های هسته‌ای و قاچاق اسلحه می‌تواند در نهایت به عنوان دفاع در مرحله ماهیت قابل طرح باشد.

با توجه به یافته‌های فوق می‌توان ملاحظه کرد که موضوع ایرادات مقدماتی (صلاحیت و قابلیت پذیرش دادخواست) همچنان از تاکتیک‌های تأخیری خواندگان دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری است که اغلب حول محور نکات بسیار دقیق حقوقی متمرکز بوده و تعیین تکلیف می‌شوند.

در رویه دیوان و دعواهایی که سابق بر این در ICJ مطرح شده، مورد بوده است که قابل قیاس با دعاوی اخیر ایران باشد؟

به طور خلاصه، از ۱۷۶ دعاوی مطروحه نزد دیوان بین‌المللی دادگستری، اکثر دعاوی حائز مرحله احراز صلاحیت بوده و در بیش از یک‌سوم آنها ایرادات مقدماتی مطرح شده‌اند. یک نمونه ملموس قضیه ملی شدن نفت (شرکت نفت ایران - انگلیس) است که دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری به علت عدم احراز صلاحیت، دعوی انگلستان را رد کرد. نمونه دیگر قضیه سکوهای نفتی است که دولت امریکا ایرادات مشابهی را به صلاحیت دیوان مطرح کرد و بخش عمده‌ای از ایرادات رد شده‌اند و دیوان در نهایت بعد از رسیدگی رأی ماهیتی صادر کرد.

فارغ از نتیجه نهایی رأی دیوان، بررسی پرونده ایران علیه امریکا چه کمکی به پیشبرد حقوق بین‌الملل می‌کند؟ آیا این Case رویه دیوان و حقوق بین‌الملل را ترقی می‌بخشد؟

بله، این رأی می‌تواند از دو جهت به ارتقای جایگاه دیوان و حقوق بین‌الملل کمک کند. اول اینکه این رأی نشان می‌دهد که به رغم قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی امریکا و بی‌توجهی ترامپ و اطرافیانش به حقوق بین‌الملل، دیوان بین‌المللی دادگستری کاملاً به وظیفه قضایی خود که همانا رسیدگی به اختلافات دولت‌ها بر اساس معیارهای حقوق بین‌الملل است عمل کرده و به عوامل سیاسی و فراحقوقی توجه چندانی نمی‌کند. اگرچه می‌توان نوعی تأثیرپذیری را در برخی زمینه‌ها ملاحظه کرد. طبیعتاً صدور این رأی در چنین شرایطی خود می‌تواند به استمرار و تقویت حقوق بین‌الملل که مبتنی بر چند کمک کند.

> **آورده حقوقی احراز صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری برای جمهوری اسلامی ایران یا به غیر از پیروزی حقوقی و دیپلماتیک،